



# پرخیز از رویدادهای ایران و جهان

۲۷ تیر ۱۳۶۱ برای اعضاء و هواداران

## ایران

مهمترین رویدادهای کشور ما در هفته گذشته عبارت بود از: درجه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران - مرحله تازه ورود نیروهای مسلح ایران بخاک عراق، در جبهه نبرد ضدامپریالیستی - برگزاری روز قدس و شرکت وسیع مردم در تظاهرات ضد امریکائی و ضد صهیونیستی، در جبهه حیات سیاسی داخلی - بالا گرفتن رودروئی میان بیرون خط امام با افراد و گروه‌هایی نظیر وابستگان به "انجمن حجتیه"، بویژه جناح ارتجاعی و امریکائی آن، و همچنین قشربین انحصارطلب و خودمختوربین، که با حاکمیت خط امام مخالفند و در ارتباط با آن، طرح باز هم حادثه مسئله فعالیت قانونی احزاب سیاسی، تحلیل جمیع این رویدادها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین لحظات زندگی خود، با دشواریها و توطئه‌ها و دام‌های گوناگون خارجی و داخلی روبروست و همه

انقلابیون راستین و همه بیروان واقعی و پشتیبانان صدیق خط امام میکوشند و وظیفه دارند، که با این دشواریها مقابله کنند. از جمهوری اسلامی ایران، و از صلابت و قدرت خط ضدامپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی امام خمینی و از صحت و کارائی سیاست جمهوری با تمام قدرت و توان خود دفاع کند و با هشیاری علیه همه توطئه‌های داخلی و خارجی بایستند. واقعات نشان می‌دهد که حمایت مردمی بیکران از انقلاب و اهداف آن، آنچنان پشتوانه و سرمایه‌ایست که با تکیه بر آن و با درایت و هشیاری می‌توان بر همه توطئه‌ها پیروز شد، دشمنان را شکست داد و دام‌ها را بی‌اثر کرد. می‌توان و باید به نیروی تاریخ ساز و پربرکت توده زحمتکش انقلابی و به تجربه اندوزی و هشیاری مستولان آگاه و خطامای امید داشت.

## در جبهه‌های جنگ

مرحله تازه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انقلابی، که همه میدانند صدام آن را طبق منافع و با تحریک آمریکا آغاز کرد، پیش آمده است. و این در حالیست که همه می‌دانند که امریکائی جنایتکار، درست مانند همکار خود صدام، بپرق صلح و خانم جنگ و عدم شرکت در درگیری را بلند می‌کند، ولی عملاً بند بند منافعش در گروی ادامه جنگ است. در ورای پرده دودی که امریکائی ایجاد کرده، هدف اصلی‌اش تحمیل یک جنگ فرسایشی طولانی است. همین چندی پیش بود که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی بدرستی گفت:

"تحلیل من اینست که تا جنگ باشد، به نفع امریکاست. امریکائی از جنگ هم در جهت تضعیف امکانات دو کشور، بلکه چند کشور که با امکاناتشان از عراق حمایت می‌کنند، استفاده می‌کند و هم از این جنگ در جهت بغروش رساندن اسلحه و مهمات استفاده میکند و هم نیازمند می‌کند کشورهای منطقه را به کشورهای استعماری." (از مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۱/۱/۲۹)

اکنون بوضوح دیده می‌شود که ضمن تثبیت برای ادامه تشنج و زمینه‌سازی برای بسط درگیری، امریکائی می‌کوشد از نظر نظامی و اقتصادی ایران انقلابی کنونی و عراقی را که می‌تواند در آینده حکومتی مردمی داشته باشد و در صف دول ضدامپریالیست قرار گیرد، تضعیف کند و جلو امکانات میهن انقلابی ما را برای برداختن به مسائل بنیادی تکامل جامعه و طرد وابستگی بگیرد. هدف نهائی امریکائی از بسط درگیری و تضعیف ایران انقلابی و فرسایش قدرت آن، زمینه‌سازی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران است. در چنین شرایطی حداکثر هشیاری و سنجیدن همه جوانب امر و احتراز از دام‌های گوناگون امریکائی ضرورت حیاتی دارد. بحق روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله ۲۳ تیر خود نوشت:

بلحاظ آنکه دشمن همواره در صدد جبران شکست‌های خود بوده است، بایستی راه آینده با دوراندیشی و تدبیر و دقت بیشتری ادامه یابد و برای حوادث آینده پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهیم. این امر بدون برآورد نیروها و همچنین بررسی نیازها و امتیازها امکان‌پذیر نیست.

این ارزیابی درست هم برای مسئله لبنان و قدس و هم در مسئله

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دام‌های امریکائی صدق می‌کند. امریکائی جنایتکار به دروغ ادعای صلح‌خواهی می‌کند، به همانگونه که صدام به دروغ مدعی آتش‌بس است. هم‌اکنون دشمن به جبران ضعف در جبهه، علیرغم همه ادعاهای اخیرش، جنایات فحش خود در بمباران شهرها و مناطق مسکونی را تشدید کرده است. دول ارتجاعی عرب بیشتر زیر "چتر حمایتی" امریکائی گرد آمده‌اند و امریکائی نیز اعلام کرده است که از دوستان خود حمایت خواهد کرد و امنیت آنها را تضمین خواهد نمود. دولت امریکائی پیشنهاد کرده است که "مانور مشترک نظامی با عربستان سعودی و دیگر کشورها" ترتیب داده شود. از پاکستان و ترکیه خبر از تدارکات تازه و نقل و انتقال نیرو می‌رسد. ناوهای جنگی امریکائی مسلح به سلاح هسته‌ای در خلیج فارس در گشت و گذارند. شیطان بزرگ از یک سو پایگاه‌های جدید نظامی خود را در منطقه به جنب و جوش آورده و نیروهای واکنش سریع را آماده می‌کند و از سوی دیگر اعلام می‌کند که "قادر به مهار کردن ایران نیست". بازار دیپلماسی و تبلیغات برای ارباب دول منطقه و تشدید وخامت و تشنج در اطراف خلیج فارس و تحریک دولتها علیه ایران باز هم داغتر شده است. گروه‌های آبرو باخته ضدانقلابی، چه فراری و چه در درون کشور، با ولغ در این پندارند که از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و طولانی شدن جنگ را محیط مناسبی برای خود فرض می‌کنند. تهدید به کوبیدن نابود کردن مراکز مهم اقتصادی و نفتی ما و تهدید به کوبیدن مناطق مسکونی غیرنظامی ما بتدریج به فعل در می‌آید، تسا جایی که نخست وزیر آقای موسوی هشدار میدهد که از این جانبان

"حتی می‌توان منتظر فاجعه‌های بزرگتری هم باشیم". این جانبان و از جمله "واین‌برگو" وزیر دفاع امریکائی و "برد" لیدر اکثریت جمهوری خواه در سنای امریکائی اعلام کرده‌اند که با دولت‌هایی نظیر عربستان سعودی وارد مذاکره شده‌اند، تا همکاریهای عملی امریکائی و کشورهای مرتجع منطقه را علیه ایران سازمان دهند. واحد مرکزی خبر از واشنگتن گزارش داده است که کاخ سفید با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که امریکائی در جنگ ایران و عراق حاضر است به کشورهای که در منطقه، که خود را در معرض خطر می‌بینند، کمک نماید. امریکائی حاضر است تمیمیاتی برای حفظ امنیت آنها انجام دهد! رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکائی هم گفت که امریکائی باید به کشورهای خلیج فارس (فارس) اسلحه بفروشد و اجازه دهد که این کشورها سلاح‌هایشان را تحویل عراق بدهند. همه اینها نشانه‌هایی از عمق توطئه و گستردگی دامیست که امریکائی، در صورت ادامه جنگ و با استفاده از آن، تدارک دیده است.

در برابر این تدارکات و دام‌گسترها، اصل عبارتست از نجات و تحکیم انقلاب ایران از خطر توطئه‌ها و بند دام‌ها و تثبیت جمهوری اسلامی ایران و نیل بسوی اهداف بزرگی که انقلاب پیش روی داشته است و دارد.

همه رفقا باید به این وضع بغرنج توجه دقیق باشند. با برخورد یک بعدی و سطحی، با جستجوی پاسخ مطلق مثبت یا منفی، نمی‌توان تمامی بغرنجی و پیچیدگی وضعی را، که توطئه‌های گوناگون امپریالیسم پیرامون ایران بوجود آورده است، توضیح داد. درست بخاطر همین وضع است که حداکثر درایت و هشیاری، بر برابر انواع دام‌ها و گداهای امریکائی و توجه به همه جوانب و پیامدهای سیاسی که اتخاذ می‌شود، ضرورت دارد، تا بتوان هرچه سریعتر و کاطر جمهوری اسلامی ایران را تحکیم کرد و با پشتیبانی از خط امام، انقلاب را به پیش برد. این همان نکته اساسی است که در آخرین پرسش و پاسخهای رفیق گیانوری، مورخ ۱۲ تیر و ۲۶ تیر، به تفصیل توضیح داده شده است و وظیفه تک تک رفقا است که دقیقاً به آن توجه نمایند و در بحث‌ها و روشنگریهای خود، آن مطالب را ترویج کنند.

## ● برگزاری روز قدس

جمعه گذشته، آخرین جمعه ماه رمضان بود و سه سال است که به فرمان امام خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، این روز بمنابه "روز قدس" روز همدستی پیکار جوانان علیه صهیونیسم و حامی آن امپریالیسم امریکائی، روز مبارزه در راه آزادی خلق فلسطین از سلطه جابرائله و جنایت‌بار صهیونیسم و امپریالیسم برگزار می‌شود. در مراسم روز قدس اسامی توده‌های میلیونی مردم زحمتکش به ندای رهبر انقلاب پاسخ دادند و در همه شهرها و روستاها تظاهرات و راهپیمایی‌هایی انجام گرفت.

حزب توده ایران که همواره حامی و مدافع نبرد دلیرانه خلق قهرمان فلسطین و پشتیبان صادق و بی‌بگیر خصمت ضدامپریالیستی و مردمی خط امام بوده و با تمام توان خود در این راه کوشیده است، از مدتی قبل اعلام نمود که در این راهپیمایی‌ها شرکت

خواهد جست. هفته قبل اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی در این زمینه انتشار یافت که جملاتی از آن در تحلیل هفته قبل ذکر گردید. این امر از اهمیت نبرد راستین ضد امپریالیستی و آزادبخش حزب ما و همزیستی دیرینه حزب ما با آرمان خلق فلسطین برمی خیزد، که در این گونه تظاهرات، همراه تمامی خلق، علیه دشمن شماره یک انقلاب ایران و همه بشریت، یعنی امپریالیسم آمریکا و پایگاه منطقه‌ای آن دولت صهیونیستی اسرائیل حاضر باشد.

روز جمعه فریاد "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل غاصب"، آسمان ایران را فرا گرفت. بویژه حمله سیمانه اخیر صهیونیستها به جنوب لبنان و آگاهی بر نقش نابودی مقاومت فلسطین بیش از همیشه بانگ رسای مردم انقلابی ما را قدرتمند می‌ساخت. تدارک برگزاری این روز، بدنبال رهنمودهای اولیه امام، در سمت درست و تجهیز کننده‌های پیش رفت. آیت اله منتظری در ملاقات با حجت الاسلام فاضل هرندی گفت:

"در آستانه روز جهانی قدس باید افکار عمومی مسلمانان جهان را متوجه خطر آمریکا و دست نشاندهانش نمایم. البته برخی از جرایم در آستانه روز قدس با چاپ کردن مطالبی که هیچگونه کمکی به اتحاد همه مسلمین و همه ضد امپریالیستها و همه ضد صهیونیستها نمی‌کند و با تیتیر کردن جملاتی از متن، که روح کلی و عمده متن را منکس نمی‌کند، درصدد تحریف و دگرگون ساختن تدارک ضد امریکائی و ضد صهیونیستی روز قدس برآمدند. ولی در مجموع جو غالب، همانگونه که منافع انقلاب و جمهوری اقتضا می‌کند، جو ضد امریکائی و ضد صهیونیستی بود. قطعنامه مرکزی راه-

پیمائی، علیه صهیونیسم، علیه رژیم بعثی عراق، علیه رژیمهای مرتجع عربی و در مرکز همه اینها علیه امریکای جنایتکار، این "شیطان بزرگ و جنایات وحشیانه‌اش"، متوجه بود. امام خمینی در پیام خویش پیرامون "تشریک مساعی بخاطر نبرد با اسرائیل" سخن گفتند و توجه را به "دشمن اصلی و وابستگان با او" جلب نمودند. شاره‌های رسمی که در تظاهرات بزرگ تهران داده می‌شد، ضد امریکائی و ضد صهیونیستی بود، بنحوی که قبل از آغاز خطبه‌های نماز جمعه، همگان با مشت‌های گره کرده و با فریاد توفنده "مرگ بر آمریکا"، تمامی آن محوطه عظیم را به لرزه درآوردند.

اما در عین حال، علیرغم این جو غالب، که بطور عمده در روز قدس حاکم بود، برخی گروهکها و افراد و انجمنهای معلوم الحال کوشیدند که اینجا و آنجا، در طی راه پیمائیه‌ها، در شعارهای شفاهی و حتی گاه در شعارهای کتبی روی پارچه‌ها، امریکا را منسی کنند و دشمن اصلی و سگ هار او در منطقه، صهیونیسم حاکم بر اسرائیل را، با طرح شعارهای انحرافی، از انظار مخفی کنند، یا آنها را در برده برند و غیر عمده کنند. گروهی از افراد وابسته به حجتیه و مائوئیستها، بهر کسی که پوستر "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل" را در دست داشت، حمله کرده، پوسترها را پاره می‌کردند و ضمنا توهین به حزب توده ایران را چاشنی عمل خود می‌ساختند. آشکارا دیده می‌شد که چند دسته ۲۰ نفری از نوجوانان با شعار "مرگ بر شوروی، مرگ بر حزب توده"، موظف بودند که شعار اصلی روز را لووت کنند. مردم می‌پرسیدند: "مگر هرچه مرگ بر آمریکا باشد، مال توده‌ایهاست؟" آیا این پوستر پاره کردن‌ها به تحریک ضد انقلاب

حرکات تحریک آمیزی که نگاه برخی عناصر موفق به انجام آن شدند، آشکارا در خلاف جهت روح روز قدس و برخلاف گوهر اصلی رهنمود آیت اله منتظری است، که باید "تمام افکار عمومی مسلمانان جهان را متوجه خطر آمریکا و دست نشاندهانش نمود". با اینهمه این گروهکها موفق نشدند که جو غالب را دگرگون سازند.

جریان روز قدس بار دیگر نشان می‌دهد که برخلاف آنچه سر مقاله نویسنده روزنامه اطلاعات در روز ۲۲ تیر نوشته است "جدی بودن و فوری بودن و حتی بودن خطر آمریکا" بهیچوجه تنها یک "بهبانه درست" نیست، پیراهن عثمانی نیست که "افسانه‌افان" علمش کرده باشند، بلکه بواقع و در همه زمینه‌ها خطری است که انقلاب بزرگ ما و جمهوری اسلامی ایران را با انواع توطئه‌ها و کیدها و دامها تهدید می‌کند. خطر آمریکا ابدی "قصه شب" نیست، بلکه طرح‌شمارهای انحرافی و فراموش کردن آن خطر حتی و فوری و جدی است که برای خواب کردن بکار گرفته می‌شود. هرگونه از دست دادن هشجاری در برابر این خطر واقعی، حتی برای یک لحظه حتی فقط در یک زمینه، خود زمینه‌ساز موفقیت توطئه‌های براندازی است. بدون شک افراد مشکوک و عناصر نفوذی و با افراد بی اطلاع و احتمالا صادق، ولی ناآگاه، که عملشان در جهت شکستن آن جو غالب و حیران کردن و سرگشته کردن مردم است، هنگامی جری می‌شوند و دور برمی‌دارند و درخت از بیخ برمی‌آورند، که بعضی از شخصیت‌های سرشناس حکومتی، بخصوص که اشتها‌ری هم به خط امامی بودن داشته باشند، سببی از باغ رعیت بخورند. آقای نخست‌وزیر در روز قدس، لابد بخاطر حفظ "تعادل" و در بسم از شانناژ برجسب خوردن، در نطق خود، که بطور عمده علیه آمریکا و صهیونیسم متوجه بود، متأسفانه طبق روالی که دارد عادت می‌شود به اتحاد شوروی حمله کرد و گفت که: "مزورانه‌تر از او جهان اسلام ندیده است!" بدون تردید آقای موسوی نمی‌خواست تمام دسایس آمریکا و قبل از او انگلستان و هم‌اکنون اسرائیل را، که در شیوه‌های مزورانه بسی استاندند تطهیر کند. دلیل آنکه، پس از بازبینی متن خوشبختانه در هیچک از روزنامه‌ها این جمله گفته شده به چاپ نرسید. ولی در چنین شرایطی، وقتی نمایندگان برجسته خط امام چنین می‌گویند و می‌نویسند و مصاحبه می‌کنند، آن عنصر مشکوک یا آن عضو حجتیه شدیدترین سوءاستفاده‌ها را می‌کند. او این را بهترین چراغ سبز برای خود می‌داند و چهارنعل می‌تازد. آقای نخست‌وزیر سخنان خود را با طرح مسئله افغانستان توجیه می‌کرد. در حالیکه دولت ایران همین اخیراً "همراه هنای لیبیائی ایشان، آقای عبدالسلام جلود، تقاضا نامه‌ای را امضا کرده، که در آن موضع درستی در این زمینه بیان شده بود.

در هفته گذشته مصاحبه‌ای از آقای سعد مجبر رئیس دفتر مردمی لیبی در تهران در روزنامه اطلاعات چاپ شد که وی در آن چنین گفته بود:

"موضع ما در مسئله افغانستان در آن اعلامیه اشاره شده. ما اعتماد به ملت افغانستان داریم که خود اوست که سرنوشتر را تعیین خواهد کرد... ولی جماهیری لیبی روی آهنگ آمریکا در این موضوع نمی‌رقصد. ما هیچ آماده نیستیم که قبول کنیم ابزار آمریکا در

افغانستان باشیم و ما هیچگاه این مسئله را برای حراج‌های سیاسی و تبلیغاتی بکار نخواهیم برد".

در هر حال جریان روز قدس بار دیگر توان عظیم مردم ما را در مبارزه اینبار گرانه و پیگیر علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم غاصب نشان داد.

تظاهرات مردم شهر همدان، در این روز دوبار توسط جانبان بعثی به خون کشیده شد و بیش از یکصد تن از هم‌میهمان همدانی‌ها بدنبال مبارزانه‌های صدامی با فریاد "مرگ بر صدام، مرگ بر اسرائیل" مرگ بر آمریکا" شهادت رسیدند.

در این رو جمعه، همه نیروهای خط امامی توانستند در مجموع قدرت و آزاده خلل‌ناپذیر خود را به ادامه راه درست و اساسی ضد امپریالیستی انقلاب به همه جانبان ارائه کنند.

● افترا و پرونده سازی

"گزارشهای ساختگی ترتیب می‌دهند که گویا" توده‌ایها صلح می‌شوند!" ما رسماً اعلام می‌داریم که این گونه پرونده‌سازی‌ها به حزب توده ایران نمی‌چسبد. حزب ما از همان اولین روز آغاز فعالیت مجدد علنی‌اش، یکی از شروط پذیرش عضویت افراد را این اصل قرارداد، که "اگر در جریان انقلاب دانسته و یا اتفاقی سلاخی بدست آورده‌اند، آن را به مقامات مسئول تحویل دهند". رفقا! این عبارات برای شما آشناست. جملات نیست از نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب، مورخ ۲۸ اردیبهشت ۶۱. و اکنون تقریباً دو ماه پس از انتشار آن، در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ تیرماه ۶۱، این عنوان درست را می‌خوانیم که: "گاندیدای منفرد وابسته به حزب توده با سه اسلحه دستگیر شد!"

هنوز طنین هشدارها و پیش‌بینی‌های "نامه سرگشاده" در گوشه‌هاست، که "پرونده‌سازیها" در عمل چشمها را خیره می‌کنند. و این نمودار آنست که هشدار حزب به مقامات واقعا مسئول کشور، تا چهار اندازه بجا بموقع و بمورد بوده و بدرستی خصلت کارزار تحریک آمیزی که علیه حزب ما به راه انداخته‌اند، و شیوه‌های عمل محرکین، تشخیص داده شده است، بویژه که باید قاطعانه تصریح کرد که اصل مسئله از بنیان دروغ بوده و تمامی اتهامات کمترین وجه تشابهی با واقعیت نداشته است. تقریباً کمترین راکه حداقل آشنائی را با سیاست و شیوه عمل حزب ما داشته باشد، می‌توان پیدا کرد که این خبر دروغ و جعلی را باور کند. ولی ما در اینجا می‌خواهیم توجه رفقا را به پرونده‌سازیها و اقدامات تحریک آمیز جلب کنیم.

قاعدتاً اگر شخصیت‌های مسئول پیرو خط امام و نهادهای انقلابی پیرو خط امام بموقع در برابر این تحریکات و پرونده سازی‌ها که جزئی از نقشه شیطانی علیه آزادیهای قانونی و سیاسی و در نهایت علیه خود جمهوری اسلامی ایران و زندگی سالم و شایسته سیاسی آنست، موضع نگیرند، می‌توان منتظر بود که محرکین و انواع گروهکها و انجمن‌ها و افراد مشکوک و نفوذی، انواع این گونه پرونده‌ها را بسازند، تا مگر بتوانند کارزار توده ستیزی را به عنصر اصلی حیات سیاست داخلی کشور بدل کنند.

رفقا! جا دارد که بار دیگر با قدرت هرچه تمامتر افترااتی را که به حزب ما وارد می‌آید، تکذیب کنیم و با قدرت از سیاست اصولی حزب در جهت پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و کوشش برای کشف و افشای توطئه‌های براندازی و درست شکوفائی همه‌جانبه انقلاب دفاع کنیم. امروز یک "کاندیدای منفرد وابسته" و فردا شخصی دیگر و پس فردا لابد یک "خانه‌تیمی" می‌تراشند، تا اینطور القاء کنند که حزب ما در کار تدارک رودرروی مسلحانه است! تکرار می‌کنیم:

"این ردیلا نه‌ترین افتراست که دشمنان انقلاب به حزب ما وارد ساخته‌اند، حزبی که تمام سیاست و فعالیتش در جهت مخالف یک چنین افترائی بوده و هست و بدون تردید تا هنگامی که خط امام خمینی خط حرکت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باشد، خواهد بود."

رفقا! به همه کس بگوئید که ما افراد صاحب سلاح را عامل نفوذی تلقی نمی‌کنیم و این‌گونه پرونده‌سازیه‌ها به ما نمی‌چسبند. "ما خواستار فعالیت قانونی علنی در چارچوب حقوق و وظایف تصریح‌شده و تضمین‌شده به وسیله امام خمینی و قانون اساسی هستیم."

● مسئله احزاب سیاسی و قانونیت آنها

بیش از پیش و با سرعت مسئله فعالیت قانونی احزاب و گروه‌های سیاسی طرفداران انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به مسئله‌گرهی زندگی اجتماعی در زمینه تأمین آزادی‌ها بدل میشود. تحقق خواست

عینی اجتماع و نیاز بی‌تردید انقلاب، که در شعار "آزادی" همراهی "استقلال" در "جمهوری اسلامی" تجلی یافته بود، بر اثر حوادث مختلف و شرایط ویژه، مدتی به تاخیر افتاد. ولی اینک مدت‌هاست که دیگر تأمین آرامش متکی بر قانون و احترام به شعارها و وعده‌ها و عملی ساختن قانون اساسی با حدتی روزافزون در جامعه ما مطرح می‌شود. مسئله آزادی فعالیت احزاب طرفدار انقلاب، همانطور که برخی رویدادها و موضع‌گیری‌های هفته‌گذشته نیز ثابت کرد، بصورت مسئله عمده در این زمینه در می‌آید. بویژه پس از تصویب آئین‌نامه مربوط به قانون احزاب، این پرسش دائمی و قابل فهم بولب‌ه‌تر پرسندم‌های هست و در برابر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و در مطبوعات و جلسات مطرح میشود، که تکلیف احزاب سیاسی و قانون اساسی و شعارهای زمان انقلاب چه میشود؟ عکس‌العمل در برابر این پرسش که برای تکامل آینده جامعه انقلابی ایران حیاتی است، ابتدا ساده و تک‌بعدی و یک‌دست نیست. در محافل مختلف حاکمیت و پیرامون آن، شما شاهد پاسخ‌های گوناگون و گاه بکلی مغایر هم، در این زمینه، میشوید. بگذریم از عمل عناصر ساواکی و افراد مشکوک و عواصیل نفوذی و وابستگان به رژیم گذشته، که در ایجاد جو کثونی بی‌تأثیر نبودمانند، جوی که در آن پاسخ درست و قانونی و انقلابی به ایسن مسئله داده نشود و با ترس و رعب در این زمینه موضع‌گیری شود. کارشناسی مغرب و شانتاز فلیح‌کننده هم اینک از جوانب دیگری نیز انجام می‌گیرد. نخست فعالیت تب‌الوئی و خصمانه گروه‌های نظیر جناح ارتجاعی و امریکازده "انجمن‌حمیتیه" که اینک دیگر تمام طیف مخالفان تعمیق مردمی انقلاب در زیر لوای آن گرد آمده‌اند،

سپس بقایای پرنفوذ نیرومند لبرالی، بویژه بخشی که نقاب "اسلامی" نیز بر چهره خود زده‌اند، و بالاخره جنب و جوش کسور و مغرب قشربون و انحصارطلبانی که در "نادانی" و "بی‌تجربگی" خویش، دارند ضربه‌های مهلک به اتحاد مردم انقلابی ما و هشاری بویبیداری آنها نسبت به حادثترین و جدی‌ترین مسائل انقلاب می‌زنند. موج "توده‌ستیزی" هفته‌های اخیر، بدون هیچ مناسبتی و تنها بخاطر آنکه اینگونه محافل و انجمن‌ها نزدیکی لحظه‌تصمیم را حس میکنند و جامعه را تشنه تأمین آزادی‌ها و تعیین تکلیف فعالیت‌های قانونی سیاسی می‌بینند، عمداً بالا برده میشود. در مقابل، نیروهای اصیل خط امامی، که قاعدتاً باید پیش از پیش درک کنند که هدف اینگونه محافل نه‌تنها توده‌ها، بلکه همچنین خط امامی‌های راستین و نابود کردن این هر دو جریان است، گاه آشکارتر و قاطعتر، ولی چه بسا با تردید و رعب، موضع‌گیری‌هایی می‌کنند.

بدینسان، عرصه آزادی‌های دموکراتیک و بطور مشخص آزادی فعالیت سیاسی احزاب انقلابی دگراندیش پیش از پیش به صحنه، هم‌اوردی خط ضد امپریالیستی و مردمی امام و پیرامون صدیقش با انواع مخالفان آگاه و ناآگاه بدل می‌شود. جا دارد که رفقا دائماً با دقت موضع‌گیری‌هایی را که در این زمینه توسط مسئولان و شخصیت‌های قوای مقتنه و اجرائیه و قضائیه انجام می‌گیرد و در همین هفته‌گذشته نمونه‌های مختلف آن را در مطبوعات و در سخنرانی‌ها در تهران و شهرستانها دیده و شنیده‌ایم، دنبال کنند، تا با نبرد جنسی و سرنوشت‌سازی که سیمای آینده جمهوری اسلامی ایران را تا حدود زیادی رقم خواهد زد، آشنا شود.

زندگی ثابت می‌کنند که در حال حاضر رسمیت و قانونیت و فعالیت آزاد سیاسی احزاب طرفدار سوسیالیسم علمی و جانب‌دار انقلاب و در درجه اول حزب توده ایران، به ملاک واقعی صحت و پیگیری و اصالت موضع‌گیری‌های عام و کلی در این زمینه بدل شده است. درست در همین جاست که معلوم میشود که آیا مکتب و منش امام صادق محترم شمرده می‌شود و یا عدم تحمل دگر اندیشان دیده‌ها را کور می‌کند؟ درست در همین جاست که صلاحیت و کاربرد قانون اساسی معلوم می‌شود و جامعه انقلابی ما با تمام مردم‌ریسگ نظام ستشاهی و دیکتاتوری سیاه آن زمان وداع می‌گوید. زندگی این واقعیت گفته شده در نامه "سرگشاده اخیر کمیته مرکزی حزب ما را ثابت می‌کنند که:

"مسئله ناتوان ساختن و درهم شکستن و نابودی حزب توده ایران به یکی از عمده‌ترین رهنمودهای امپریالیسم آمریکا به‌دست یاران خود و به یکی از عمده‌ترین مواد برنامه عمل روزانه همه‌دار و دسته‌های ضد انقلابی ساواکی سلطنت طلب لیبزال توطئه‌گر و چپ‌رو مبدل گردید."

شکفت‌انگیز خواهد بود، اگر پیرامون واقعی خط امام و انقلابیون واقعی این مسئله را بینند و در دام افتند و برخی همسویی‌ها و هم‌اواشی‌ها آنها را بخود نیاورد. نه‌تنها شکفت‌انگیز، بلکه هلاکت‌بار خواهد بود، زیرا که دشمن، با این توطئه، راه را برای نابودی خود پیرامون راستین خط امام خمینی باز می‌کند. فاجعه‌انگیز خواهد بود، اگر عناصر صدیق انقلابی و نهادهای انقلابی و شخصیت‌های مسئول در زیر جو فشار و شانتاز خرد شوند و به‌نسبتین گام "رضایت"

دهند، زیرا جلوگیری از فعالیت رسمی حزب ما و به اصطلاح حذف آن، زمینه‌ساز جلوگیری از هرگونه واقع‌بینی و هشاری، هر نوع موضع‌گیری به‌سود محرومان جامعه، هر نوع اقدام قاطع و ریشم‌های علیه امپریالیسم، و بسخن دیگر، ضربت برگیان بر خط امام خواهد بود. بیان شاعرانه تنها یک تعبیر شاعرانه، بلکه بیان یک حقیقت بارز است:

"دوستان گوش کنید. مرگ من مرگ شماست / مگذارید شما را بکشند / مگذارید که من بار دگر / در شما کشته شوم".  
حزب ما برپا به اعتماد به موضع‌گیری امام خمینی رهبرانقلاب در این زمینه، فعالیت آشکار و علنی خود را آغاز کرده و بیش از سه سال است سیاست همکاری همه‌جانبه و درازمدت با مبارزان انقلابی مذهبی را با پیگیری و صداقت اجرا میکند. ما به این سیاست اصولی خود، علیرغم برخی ناآگاهی‌ها و اشتباهات باران گمراه انقلاب ادامه خواهیم داد و آنها را از افتادن در دام برحذر خواهیم داشت. مفید است که رفقا برای آشنائی بیشتر با مسائل و برای شنای بحث‌های روشنگرانه خویش بار دیگر با دفتر نامه سرگشاده کمیته مرکزی مورخ ۶۱/۲/۲۸ و آخرین پرسش و پاسخ‌های رفیق کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب، را در ایسن زمینه مطالعه کنند.

● جهان

● سیاست آمریکا در خاور نزدیک و میان

شولتز وزیر امور خارجه تازه آمریکا، در جلسهای که کمیسیون خارجه مجلس سنای آمریکا برای تصویب انتصاب او بعنوان جانشین هیگ تشکیل داده بود، برنامه‌های را که او قصد دارد هنگام تصدی وزارت امور خارجه بمرحله اجرا درآورد، توضیح داد. عنصر اصلی در این برنامه آنست که دولت آمریکا باید برای حفظ "منافع حیاتی" اش در سراسر جهان، از قدرت نظامی خود با جسارت بیشتری استفاده کند.

امپریالیسم آمریکا در تمام دوران زندگی ننگینش از همین شیوه استفاده کرده است، و آنچه را که میتوان بعنوان ویژگی حکومت ریگان نام برد، تکیه بر روی "جسارت بیشتری" است که در آن، خطت ماجراجویانه سیاست دولت کنونی آمریکا نهفته است. روشن است که هر کجا "منافع حیاتی" بیشتر باشد، "جسارت" نیز طبقاً به همان اندازه باید بیشتر باشد.

امپریالیسم آمریکا خاور نزدیک و میان را بدلیل نفت و هم-چنین بظت موقعیت استراتژیکی اش، که در مرز سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا و مرز دو جهان سرمایه‌داری و سوسیالیسم قرار دارد، مهمترین منطقه "منافع حیاتی" خود می‌داند. این "منافع حیاتی" اکنون در اثر خیزش انقلابی خلق‌های منطقه جدا بمخاطره افتاده است. این خطر برای امپریالیسم آمریکا بویژه از آن جهت بزرگتر و عمیقتر است، که به دلیل پشتیبانی دنیای سوسیالیسم از این جنبشهای انقلابی، دنیای امپریالیسم هر قدر هم "جسارت بیشتری" نشان می‌دهد، قادر به حفظ "منافع حیاتی" خود نیست. مواضع امپریالیسم آمریکا در منطقه یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد. به

دنیال انقلاب افغانستان، انقلاب ایران روی داد و اکنون امواج انقلاب در سراسر منطقه گسترش می یابد. همزمان با این گسترش عنصر ماجراجویی نیز در سیاست خارجی آمریکا در قبال منطقه رشد می کند. جواز حمله اسرائیل به لبنان و تهیه مقدمات مداخله نظامی در منطقه بعنوان "حفظ امنیت" کشورهای دوست آمریکا، نشانه های از تقویت این روند در سیاست خارجی امریکاست، سیاستی که بی دورنماست، اما می تواند مصائب زیادی برای خلقهای منطقه و بیش از همه برای مردم ما فراهم کند.

آقای رجائی خراسانی نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد توصیف جالبی از سیاست خارجی امریکانموده است. او می گوید:

"نکته مهمی که ما باید در نظر داشته باشیم اینست که آمریکا با روشهای اصالت عملی "پراگماتیک" نه با روشهایی که شناخت اصیل و نظری بر اساس ارزشهای درست از مسئله داشته باشند، با روشهای مقطعی، سعی می کند با تمام مسائلی برخورد کند. این برخورد باعث شده که الان آمریکا نداند اصلا حرکت بعدی چیست" (نقل از اطلاعات، ۶۱/۴/۲۶).

واقعا هم چنین است. و این از ماهیت امپریالیسم در مرحله اکتوسی آن سرچشمه می گیرد. یک نظام اجتماعی رو بزوال، که خود به فردایش آمادوار نیست، نه تنها در سیاست خارجی، بلکه در هیچ یک از زمینه های اجتماعی نیز نمی تواند یک سیاست درازمدت، غیرمقطعی و بر اساس ارزشهای درست در پیش گیرد. روشهای مقطعی پراگماتیک در سیاست خارجی آمریکا، با آمدن هر گروهی بر سر حکومت

بصورت "دکترین" های جورواجور فلان رئیس جمهور یا فلان وزیر امور خارجه، یا به صحنه بین المللی می گذارد، و تمام این "دکترین ها" نیز یکی پس از دیگری بشکست می انجامد، اما در همین حال قاعده هایی نظیر جنگ گره، جنگ ویتنام، جنگ های اسرائیل و... بجای می گذارد. سیاست خارجی آمریکا در مقطع کنونی ریسک های حساب نشده و ماجراجوییهای خطرناک است، که ما در لبنان شاهد آن هستیم و در خلیج فارس باید در انتظار آن باشیم.

#### ● بن بست لبنان

تجاوز به لبنان، اسرائیل و حامیان امریکایش را در یک بن بست واقعی قرار داده است. تلفات ارتش اسرائیل در این جنگ بسیار زیادتر از پیش بینی های آنان بود. درباره این تلفات ارقام مختلفی ذکر شده است. روزنامه کیهان (۶۱/۴/۲۶) به نقل از گزارش معاون وزیر دفاع اسرائیل به کمیته خارجی و امنیت پارلمان اسرائیل می نویسد:

"تلفات نیروهای صهیونیستی از آغاز تجاوز به لبنان ۳۷۷۴ کشته و ۱۲۴۹ زخمی بوده است"

اگر این ارقام را حتی به نصف و ثلث تقلیل دهیم و نسبت آن را با جمعیت اسرائیل در نظر بگیریم، می بینیم که درصد بسیار بالایی را تشکیل می دهد. حمله نیروهای اسرائیلی بمواقع مبارزان فلسطینی و لبنانی در غرب لبنان، اگر مستلزم تحمل تلفات بیشتری نباشد، بی تردید کمترین نیست. از سوی دیگر، هر روز که می گذرد

چه در داخل خود اسرائیل و آمریکا و چه در خارج از آن نیروهای تازه های مبارزه علیه تجاوز اسرائیل می پیوندند. در داخل اسرائیل حزب کمونیست اسرائیل در راس این مبارزه جای گرفته است و تودم های وسیعی از مردم را به مقاومت در برابر سیاست تجاوزکارانه دولت صهیونیستی بگن برانگیخته است. در آمریکا نیز بسیاری از روزنامه ها و مجلات صراحتاً متذکر می شوند که حمله اسرائیل به لبنان نه تنها موقعیت خود این دولت صهیونیستی را در جهان متزلزل کرده است، بلکه بر امریکانیز، بعنوان حامی اصلی اسرائیل، زیانهای جبران ناپذیری وارد کرده است.

در این شرایط بود که ریگان، بنوشته نیوزویک، تصمیم گرفت که برای نجات دادن اسرائیل از بن بست، سرایان امریکائی را به لبنان گسیل دارد. این پیشنهاد، بنوشته همان مجله، از سوی وزارت دفاع آمریکا داده شده بود. سرایان امریکائی بایستی به عنوان "نیروی پاسدار صلح" به دعوت دولت لبنان وارد آن کشور شوند و نیروهای فلسطینی را از غرب بیرون خارج کرده، با هواپیماها یا کشتیهایی که عربستان سعودی پول کرایه آن را پرداخت خواهد کرد به نقطه دیگری از جهان عرب منتقل کنند.

ولی توطئه نگرفت. نخست به آن دلیل که مقاومت فلسطین و نیروهای میهن دوست لبنانی و سوری ها زیر بار چنین نقل و انتقالی نرفتند. دوم هشدار دولت شوروی از زبان لئونید برژنف، به امریکائیکها فهماند که "جسارت بیشترشان" در این منطقه سودآور نیست. اکنون باید گفت که سیاست ماجراجویانه آمریکا در لبنان با شکست روبرو شده است، شکستی که دهها هزار کشته، صدها هزار

آواره و دهها شهر و روستای ویران بدنیال خود بجای گذاشته است. در تحلیل علل این شکست، قبل از هر چیز باید به سیاست درست سازمان آزادیبخش فلسطین، نیروهای میهن دوست لبنان و سوریه و یشتیبانی قاطع اتحاد شوروی از مبارزه عادلانه آنها در برابر صهیونیسم و امپریالیسم نام برد.

از همان نخستین روزی که اسرائیل حمله خود را به لبنان آغاز نمود، تبلیغات امپریالیستی تمام نیروی خود را بکار بست تا ثابت کند که اتحاد شوروی نه کاری برای سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه انجام داده است و نه می تواند انجام دهد. سلاجهائی که اتحاد شوروی به سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه داده است در برابر سلاجهای امریکائی که اسرائیلیها آن را بکار می برند، هیچ کارائی ندارند و هواپیماهای امریکائی اسرائیل هواپیماهای سوری را مثل تگرگ به زمین می ریزند! متأسفانه در کشور ما نیز حتی برخی از بلندپایگان در دام این تبلیغات افتادند و همان حرفها را تکرار کردند. امروز که آمار تلفات جانی و فنی ارتش اسرائیل منتشر شده (بنوشته روزنامه کیهان: ۱۲۰ تانک و زره پوش، چندسکوی پرناب موشک، ۶۷ فروزند هواپیما اف ۱۶ و اف ۱۵) و ارتش اسرائیل در برابر بیروت بفکر ایجاد مواضع زمستانی افتاده است، باید سد پرسید: چه کشور دیگری جز اتحاد شوروی، سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه را به سلاجهائی قادر به مقاومت در برابر ارتش اسرائیل (یکی از مجهزترین و ورزیده ترین ارتشهای جهان سرمایه داری) مجهز نموده است؟

از نظر سیاسی نیز تجاوز اسرائیل به لبنان با شکست کامل

روبروشد. و رژیم صهیونیستی اسرائیل در انزوا قرار گرفته است. در این مورد بویژه باید از نقش کشورهای غیرمتعهد در مبارزه به خاطر افشای چهره تجاوزکارانه اسرائیل و آمریکا نام برد. کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در نیکوزیا، که وزیر امور خارجه کشور ما نیز در آن شرکت کرد، این تجاوز را بشدت محکوم نمود و از تمام کشورهای های عضو جنبش عدم تعهد خواست، که با تمام امکانات خود به قربانیان تجاوز کمک کنند. حمله اسرائیل به لبنان حلقه ای از حلقه های دیگر سیاست ماجراجویانه آمریکا در خلیج فارس به عنوان "حفظ امنیت کشورهای دوست" حلقه دیگر آنست.